

گزارش

داستان تنها بازیکن بوندس لیگا که مادر شده است

ما حال مان خوب است

تقریباً یک سال و نیم از آخرین باری که آلوت شولت در یک بازی رسمی به میدان رفت، می‌گذرد. مصدومیت شانه‌او در جام جهانی زنان ۲۰۱۹ باعث شد که این دروازه‌بان ولفسبورگ نتیم‌ملی آلمان خانه‌نشین شود اما دوران کنازیون‌او از میادین بیشتر از انتظار اولیه طول کشید. شولت در این مدت باردار شود و در آوریل ۲۰۲۰ دو فرقه‌هایش را به دنیا آورد. او حالا تنها بازیکن دسته برتر زنان آلمان است که مادر است. شولت می‌گوید: «این قلمرویی جدید است. هیچ الگویی در بوندس لیگای زنان وجود ندارد و نمی‌توانیم به سراغ یک باشگاه برویم و بگوییم: تمرینات بازیکنی که مادر است چگونه است؟

چطور در بازی‌های خارج از خانه‌مدارن را به همراه می‌برید؟ ما باید این مسائل را حل کنیم.» این دروازه‌بان ۲۹ ساله فاتح لیگ قهرمانان اروپا است و پنج بار قهرمان بوندس لیگا و شش بار فاتح جام حذفی شده‌است. او قهرمانی المپیک و جام ملت‌های اروپا را هم با آلمان در کارنامه دارد اما او می‌خواهد سال‌ها به دوران بازی‌اش ادامه بدهد. شولت به تمرینات تیم اصلی ولفسبورگ برگشته و می‌خواهد در همین فصل به میادین برگردد.

او می‌گوید: «تعداد ورزشکاران بزرگی که فرزند دارند کم است. این کار دشواری است. پس از اینکه یک دور از میادین هستید، باید مبارزه کنید تا برگردید. باید سخت‌کوش باشید و من مسیری طولانی دارم اما من عاشق کارم هستم و هرگز نیت بهی‌رگشتن نتردید پیدا نداشتم.»

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های او این است که چگونه آمادگی برای مسابقات برسد اما مساله اصلی این است که او چگونه بین مادر بودن و فوتبالبست بودن تعادل برقرار کند. او می‌گوید: «شغل ما به شدت پیش‌بینی‌ناپذیر است. اینطور نیست که از دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۸ تا ساعت ۵ کار کنیم. من نمی‌توانیم مرخصی بگیریم.» این دروازه‌بان در یکی از موفق‌ترین باشگاه‌های فوتبال زنان حضور دارد که از نظر مالی



«هم اوضاعش عالی است اما این حال، و فلسفوبورگ سیستمی برای مراقبت از کودکان در نظر نگرفته است. در گزارش سال ۲۰۱۷، IFPRO، اتحادیه جهانی بازیکنان، به این اشاره شد که تنها ۳ درصد از باشگاه‌های دسته‌های برتر در سراسر دنیا مهد کودک دارند. شولت گفت: «همیشه حس می‌کردم که باشگاه از تصمیم من حمایت می‌کند. البته برای من بهتر بود اگر باشگاه یک مرکز مراقبت از کودکان داشت تا بازیکنان با خیالی آسوده به تمرینات بروند اما اینطور نیست.» شولت از خانواده پرجمعیتش خواسته در موقعی که نیست، از کودکانش مراقبت کنند. در آلمان، بازیکنان زنی که مادر می‌شوند حقوق قانونی دارند اما در سطح جهان- چنین اتفاقی کم می‌افتد. بسیاری از بازیکنان دنیا مدت‌هاست با این چالش روبه‌رو هستند که آیا دوران بازی خود را ادامه دهند یا اینکه خانواده‌ها را تشکیل دهند. فیفا اخیراً اعلام کرده که اصلاً حتماً مهمی در مقررات مربیان بازیکنان زن نداشته‌است. فیفا قصد دارد دست کم ۱۴ هفته مرخصی زایمان را برای بازیکنان اجباری کند و آنها در این مدت دست کم دو سوم کل دستمزدشان را دریافت کنند و همچنین امنیت شغلی داشته باشند. شولت می‌گوید: «این تصمیم در مقیاس جهانی خیلی خوب است اما هنوز ازمی طولانی داریم یا اینکه بازیکنان زن در همه کشورها احساس امنیت کنند و با خیال راحت مادر شوند. این کار قبلاً قدمی در مسیر صحیح است و نشان می‌دهد که فیفا اوضاع را جدی گرفته است.» شولت در حال حاضر تنها بازیکن فعال بوندس لیگا است که مادر است اما او در سطح بین‌المللی تنها نیست. الکس مورگان، بازیکن تیم‌ملی آمریکا قهرمان جام جهانی ۲۰۱۹ در سپتامبر با انجام در حالی قرارداد امضا کرد که چهار ماه پیش از آن، اولین فرزندش به دنیا آمده بود. او اولین بازی‌اش را در اوایل نوامبر انجام داد. سیدنی لاورویر، هم‌تیمی او در آمریکا هم تنها سه ماه و یک روز پس از تولد دومین فرزندش به تیمش بازگشت. مارتینا فافوس- تکلنبرگ، مربی تیم ملی زنان آمریکا هم با این اوضاع کاملاً آشناست. او در سال ۱۹۹۴ و در اوج دوران بازی‌اش صاحب‌گیر فرزند شد و اولین بازی حرفه‌ای آلمان شد که مادر می‌شود. او در سال ۱۹۹۵ برگشت و به فیفا بل جام جهانی رسید و قهرمان مسابقات ۱۹۹۵ و یورو ۱۹۹۷ شد.

شولت می‌گوید: «او زن حالم را برید و پدر و دختر جیت‌اش با من حرف زده‌است. ما به این نتیجه رسیدیم که مهم‌ترین چیز این است که همه ما حال مان خوب است.» مادر، بیچه‌ها و کل خانواده.»

فوتبال دیگر بالاترین اولویت در زندگی شولت نیست اما این دروازه‌بان برای بار است که دیورو ۲۰۲۲ در دروازه تیم ملی آلمان گرامی گیرد. «بایدورم کم‌ترین‌ها اول باشم اما من نمی‌دانم تا آن‌ها چه می‌شود. اول باید برای باشگاه دوباره بازی کنم و بعد اتفاقات دیگری می‌افتد. اولین هدف من این است که با باشگاه هم یک بازی رسمی انجام دهم و بعد ببینیم که از آنجابه‌کدام روی می‌م.»

گزارش

جیمزاولی

به بهانه بازی تانها-م – آن سال؛ ساعت ۲۰۰۰۰

پروژه نفرین شده آرتا



اول از همه باید گریذ بگوییم: موقعیت شغلی میکِل آرتّا در آرسنال یکی از اولین امین‌جاییه‌ها در میان تمامی مربیان لیگ برتر انگلستان است. هیچ شانه‌ای از نارضایتی هیأت مدیره باشگاه وجود ندارد و تنها یک فاجعه تاریخی ممکن است این وضعیت را تغییر دهد اما حتی شاید آن هم کافی نباشد چون آرسنال کاملاً بر روی روزه آرتّا سرمایه‌گذاری کرده است. آرتّا به تیم ملی آلمان گرامی آید اما من نمی‌دانم تا آن‌ها چه می‌شود. اول باید برای باشگاه دوباره بازی کنم و بعد اتفاقات دیگری می‌افتد. اولین هدف من این است که با باشگاه هم یک بازی رسمی انجام دهم و بعد ببینیم که از آنجابه‌کدام روی می‌م.»

برای برخی سؤاَل است که آیا داشتن چنین تعهدی بید و شرطی به برندن فوتبالت مالکانه ارسوی آرتتا با وجود بازیکنانی که او در اختیار دارد، تصمیم درستی است یا نه. با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی می‌توان فهمید که گروهی از هواداران تا الان به این نتیجه رسیده‌اند که آرتّا در حد و اندازه هدایت آرسنال نیست. البته در این میان برخی مانند هموطن و بازیکن او، هکتور بیرین، نظر این دسته از هواداران غیرمصنّفانه‌است.

پیروزی آرسنال در دربی امشب لندن مقابل تانها-م می‌تواند تا حدودی نشان دهد که ابراز نارضایتی اخیر هواداران این کشور نسبت به آرتّا در ابتدای پوده است و آنها چقدر مدد می‌مراج هستند اما این برای خود بازیکنان هم سؤاَل است که چگونه تیمی که در ابتدای سال ۲۰۲۰ آندر شجاعانه بازی می‌کرد و قهرمان جام حذفی و سوپر جام انگلستان شد، حالا در سراسر تیم نتول قرار گرفته‌است؟ چیزی که آنّها نباید دربارش شک کنند اخلاق کاری آرتّا است. مرد اسپانیایی از هیچ تلاشی برای پایان دادن به وضعیت هشاردهنده آرسنال فرودگذار نکرده است.

بارسلونا در مسیر ویرانی

کاری از مسی برنمی‌آید

گزارش سید لو

نوکمپ در حال ویرانی است. یک ویرانی واقعی و اساسی...

و بقیه بارسلونا هم با آن سقوط می‌کنند.

این یک فضاوت بی‌رحمانه از بیرون نیست و نه یک تیتَر صفحه اصلی روزنامه برای بیشترین اثرگذاری - در واقع دو روزنامه اسپورت و مونددو پیورئو که به طور کامل از بارسلونا طرفداری می‌کنند حتی به آن اشاره نکرده‌اند- و نه یک توطئه از طرف مادریدی‌ها. این نظر کارلس توئسکنس است، رئیس موقت باشگاه که تلاش می‌کند نوکمپ را اسرپاینگه دارد تا یک نفر دیگر بیاید و اوضاع باشگاه را در اختیار بگیرد. یک نفر که واقعاً بخواد.

اینکه آیا واقعاً او کمکی بکند یا نه موضوع دیگری است اما تصویری که از باشگاه الفاکرده، واقعاً دردناک است. توئسکنس پنجشنبه صبح به ۸۸C۱ گفت ترک‌هایی در سقف ورزشگاه به وجود آمده و نوکمپ نیاز فوری به تعمیر دارد. او گفت باشگاه در سال گذشته بیش از ۳۰۰ میلیون یورو ضرر کرده‌است. او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰ میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او گفت هیچ خریدی صورت نمی‌گیرد تا بازیکنی فروخته نشود. او گفت باشگاه هیچ پولی ندارد و از همه شگفت‌انگیزتر اینکه گفت بهتر بود باشگاه لیونل مسی را می‌فروخت.

این حرف‌های رئیس موقت است که تا انتخابات ۵ بهمن اداره باشگاه را بر عهده دارد. او حرف‌های زیادی زد و اگر چه همان شب در رادیو کاتاناسر تلاش کرد حرف‌هایش را توجیه کند اما حالا دیگر راهی برای فرار از آنها وجود ندارد، در واقع چیزی برای فرار وجود ندارد. حقیقت تلخ است و حقیقت این است که بارسلونا به دردتساقاده.

خوان لاپورتا هم پنجشنبه گفت:

«بارنئومو باشگاه را ویران شده را هرکد و این بدترین دوران تاریخ باشگاه است، لحظه بسیار تلخی است.» این حرف‌ها از لاپورتا چندان تعجب‌آور نیست، او اگر چه به تازگی اعلام کرده قصد دارد برای ریاست بارسلونا، ر انتخابات شرکت کند و نامزدی خود را رسماً اعلام کرد اما مدت‌ها قبل رقیب خوسپ ماریا بارنئومو رئیس سابق باشگاه بوده.

توئسکنس نیست. حالا دوباره به آن خط کشه کنید: او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰

میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او توضیح داده هیچ پولی برای پرداخت به بازیکنان و کارکنان نبوده و توافق کرده‌اند بخش قابل توجهی از بد هکاری‌شان را ظرف چهار سال بپردازند. هیچ راه فراری وجود ندارد و یک روز و یک جواباید این پول را بپردازند و بپردازند.

یک عبارت اسپانیایی هست که برای انتقاد از تفکر کوتاه‌مدت به کار برده می‌شود: «امروز نان بخور، فردا گرسنگی بکش» اما اگر امروز نانی برای خوردن وجود نداشته باشد اصلاً فردایی به کار نیست. فعلاً در این وضعیت قرار داریم اما بعد چه می‌شود؟

یک راه هست برای اینکه یک تغییر بزرگ صورت بگیرد، همان راهی که ما را به حقیقت مورد اشاره توئسکنس می‌رساند که گفت: «از نظر اقتصادی برای ما بهتر بود که مسی فروخته می‌شد.»

او همان شب سعی کرد حرف‌هایش را توضیح دهد و تأکید داشت فقط درباره تأثیرات اقتصادی حرف می‌زده و از نظر ورزشی تصمیم‌گیری‌ها فرق می‌کند، ضمن اینکه منظورش این بوده که اگر پیشنهادی برای جذب مسی وجود می‌داشت، که نمی‌دانست وجود داشته یا نه، نگراش هم نبوده. در عین حال، توضیحات او بیشتر از آن که موضوع را منطقی مبلغ قرارداد کند، مساله خلاص شدن از دستمزد مسی را مطرح می‌کند که به گفته توئسکنس «با دیگران خیلی متفاوت است.»

آرام باشید، همه تا حدودی این را می‌دانستند. مسی هم قطعاً می‌دانست: در وضعیت ما این باور رسیده بود که ممکن است بارسلونا به اعداد و ارقام توجه کند، درخواست جدایی از تیم را مورد بررسی قرار دهد و تسلیم شود اما این کار را نکردند. حتی همان موقعی که کار درست را انجام دادند، شاید اشتباه کردند هر چقدر هم که ناخوشایند و ناگوار به نظر برسد.

و در حالی که همه می‌دانستند اوضاع اقتصادی بارسلونا بحرانی است و اینکه رفتن مسی می‌تواند آن را آرام کند اما میزان

نوکمپ در حال ویرانی است. یک ویرانی واقعی و اساسی...

و بقیه بارسلونا هم با آن سقوط می‌کنند.

این یک فضاوت بی‌رحمانه از بیرون نیست و نه یک تیتَر صفحه اصلی روزنامه برای بیشترین اثرگذاری - در واقع دو روزنامه اسپورت و مونددو پیورئو که به طور کامل از بارسلونا طرفداری می‌کنند حتی به آن اشاره نکرده‌اند- و نه یک توطئه از طرف مادریدی‌ها. این نظر کارلس توئسکنس است، رئیس موقت باشگاه که تلاش می‌کند نوکمپ را اسرپاینگه دارد تا یک نفر دیگر بیاید و اوضاع باشگاه را در اختیار بگیرد. یک نفر که واقعاً بخواد.

اینکه آیا واقعاً او کمکی بکند یا نه موضوع دیگری است اما تصویری که از باشگاه الفاکرده، واقعاً دردناک است. توئسکنس پنجشنبه صبح به ۸۸C۱ گفت ترک‌هایی در سقف ورزشگاه به وجود آمده و نوکمپ نیاز فوری به تعمیر دارد. او گفت باشگاه در سال گذشته بیش از ۳۰۰ میلیون یورو ضرر کرده‌است. او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰ میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او گفت هیچ خریدی صورت نمی‌گیرد تا بازیکنی فروخته نشود. او گفت باشگاه هیچ پولی ندارد و از همه شگفت‌انگیزتر اینکه گفت بهتر بود باشگاه لیونل مسی را می‌فروخت.

این حرف‌های رئیس موقت است که تا انتخابات ۵ بهمن اداره باشگاه را بر عهده دارد. او حرف‌های زیادی زد و اگر چه همان شب در رادیو کاتاناسر تلاش کرد حرف‌هایش را توجیه کند اما حالا دیگر راهی برای فرار از آنها وجود ندارد، در واقع چیزی برای فرار وجود ندارد. حقیقت تلخ است و حقیقت این است که بارسلونا به دردتساقاده.

خوان لاپورتا هم پنجشنبه گفت:

«بارنئومو باشگاه را ویران شده را هرکد و این بدترین دوران تاریخ باشگاه است، لحظه بسیار تلخی است.» این حرف‌ها از لاپورتا چندان تعجب‌آور نیست، او اگر چه به تازگی اعلام کرده قصد دارد برای ریاست بارسلونا، ر انتخابات شرکت کند و نامزدی خود را رسماً اعلام کرد اما مدت‌ها قبل رقیب خوسپ ماریا بارنئومو رئیس سابق باشگاه بوده.

توئسکنس نیست. حالا دوباره به آن خط کشه کنید: او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰

میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او توضیح داده هیچ پولی برای پرداخت به بازیکنان و کارکنان نبوده و توافق کرده‌اند بخش قابل توجهی از بد هکاری‌شان را ظرف چهار سال بپردازند. هیچ راه فراری وجود ندارد و یک روز و یک جواباید این پول را بپردازند و بپردازند.

یک عبارت اسپانیایی هست که برای انتقاد از تفکر کوتاه‌مدت به کار برده می‌شود: «امروز نان بخور، فردا گرسنگی بکش» اما اگر امروز نانی برای خوردن وجود نداشته باشد اصلاً فردایی به کار نیست. فعلاً در این وضعیت قرار داریم اما بعد چه می‌شود؟

یک راه هست برای اینکه یک تغییر بزرگ صورت بگیرد، همان راهی که ما را به حقیقت مورد اشاره توئسکنس می‌رساند که گفت: «از نظر اقتصادی برای ما بهتر بود که مسی فروخته می‌شد.»

او همان شب سعی کرد حرف‌هایش را توضیح دهد و تأکید داشت فقط درباره تأثیرات اقتصادی حرف می‌زده و از نظر ورزشی تصمیم‌گیری‌ها فرق می‌کند، ضمن اینکه منظورش این بوده که اگر پیشنهادی برای جذب مسی وجود می‌داشت، که نمی‌دانست وجود داشته یا نه، نگراش هم نبوده. در عین حال، توضیحات او بیشتر از آن که موضوع را منطقی مبلغ قرارداد کند، مساله خلاص شدن از دستمزد مسی را مطرح می‌کند که به گفته توئسکنس «با دیگران خیلی متفاوت است.»

آرام باشید، همه تا حدودی این را می‌دانستند. مسی هم قطعاً می‌دانست: در وضعیت ما این باور رسیده بود که ممکن است بارسلونا به اعداد و ارقام توجه کند، درخواست جدایی از تیم را مورد بررسی قرار دهد و تسلیم شود اما این کار را نکردند. حتی همان موقعی که کار درست را انجام دادند، شاید اشتباه کردند هر چقدر هم که ناخوشایند و ناگوار به نظر برسد.

و در حالی که همه می‌دانستند اوضاع اقتصادی بارسلونا بحرانی است و اینکه رفتن مسی می‌تواند آن را آرام کند اما میزان

نوکمپ در حال ویرانی است. یک ویرانی واقعی و اساسی...

و بقیه بارسلونا هم با آن سقوط می‌کنند.

این یک فضاوت بی‌رحمانه از بیرون نیست و نه یک تیتَر صفحه اصلی روزنامه برای بیشترین اثرگذاری - در واقع دو روزنامه اسپورت و مونددو پیورئو که به طور کامل از بارسلونا طرفداری می‌کنند حتی به آن اشاره نکرده‌اند- و نه یک توطئه از طرف مادریدی‌ها. این نظر کارلس توئسکنس است، رئیس موقت باشگاه که تلاش می‌کند نوکمپ را اسرپاینگه دارد تا یک نفر دیگر بیاید و اوضاع باشگاه را در اختیار بگیرد. یک نفر که واقعاً بخواد.

اینکه آیا واقعاً او کمکی بکند یا نه موضوع دیگری است اما تصویری که از باشگاه الفاکرده، واقعاً دردناک است. توئسکنس پنجشنبه صبح به ۸۸C۱ گفت ترک‌هایی در سقف ورزشگاه به وجود آمده و نوکمپ نیاز فوری به تعمیر دارد. او گفت باشگاه در سال گذشته بیش از ۳۰۰ میلیون یورو ضرر کرده‌است. او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰ میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او گفت هیچ خریدی صورت نمی‌گیرد تا بازیکنی فروخته نشود. او گفت باشگاه هیچ پولی ندارد و از همه شگفت‌انگیزتر اینکه گفت بهتر بود باشگاه لیونل مسی را می‌فروخت.

این حرف‌های رئیس موقت است که تا انتخابات ۵ بهمن اداره باشگاه را بر عهده دارد. او حرف‌های زیادی زد و اگر چه همان شب در رادیو کاتاناسر تلاش کرد حرف‌هایش را توجیه کند اما حالا دیگر راهی برای فرار از آنها وجود ندارد، در واقع چیزی برای فرار وجود ندارد. حقیقت تلخ است و حقیقت این است که بارسلونا به دردتساقاده.

خوان لاپورتا هم پنجشنبه گفت:

«بارنئومو باشگاه را ویران شده را هرکد و این بدترین دوران تاریخ باشگاه است، لحظه بسیار تلخی است.» این حرف‌ها از لاپورتا چندان تعجب‌آور نیست، او اگر چه به تازگی اعلام کرده قصد دارد برای ریاست بارسلونا، ر انتخابات شرکت کند و نامزدی خود را رسماً اعلام کرد اما مدت‌ها قبل رقیب خوسپ ماریا بارنئومو رئیس سابق باشگاه بوده.

توئسکنس نیست. حالا دوباره به آن خط کشه کنید: او گفت دستمزد بازیکنان به اندازه ۱۶۰ میلیون یورو به تأخیر افتاده و اگر اینطور نمی‌شد بارسلونا تا آخر سال دوام نمی‌آورد. او توضیح داده هیچ پولی برای پرداخت به بازیکنان و کارکنان نبوده و توافق کرده‌اند بخش قابل توجهی از بد هکاری‌شان را ظرف چهار سال بپردازند. هیچ راه فراری وجود ندارد و یک روز و یک جواباید این پول را بپردازند و بپردازند.

یک عبارت اسپانیایی هست که برای انتقاد از تفکر کوتاه‌مدت به کار برده می‌شود: «امروز نان بخور، فردا گرسنگی بکش» اما اگر امروز نانی برای خوردن وجود نداشته باشد اصلاً فردایی به کار نیست. فعلاً در این وضعیت قرار داریم اما بعد چه می‌شود؟

یک راه هست برای اینکه یک تغییر بزرگ صورت بگیرد، همان راهی که ما را به حقیقت مورد اشاره توئسکنس می‌رساند که گفت: «از نظر اقتصادی برای ما بهتر بود که مسی فروخته می‌شد.»

آرام باشید، همه تا حدودی این را می‌دانستند. مسی هم قطعاً می‌دانست: در وضعیت ما این باور رسیده بود که ممکن است بارسلونا به اعداد و ارقام توجه کند، درخواست جدایی از تیم را مورد بررسی قرار دهد و تسلیم شود اما این کار را نکردند. حتی همان موقعی که کار درست را انجام دادند، شاید اشتباه کردند هر چقدر هم که ناخوشایند و ناگوار به نظر برسد.

و در حالی که همه می‌دانستند اوضاع اقتصادی بارسلونا بحرانی است و اینکه رفتن مسی می‌تواند آن را آرام کند اما میزان

یکشنبه

۱۳۹۹ آذر ۱۶

شماره ۶۶۴۲



@iranvarzeshi

یادداشت

متنویسانتاجلو

چالهان اوغلو به میلان بی احترامی می‌کند؟

از آغاز سال ۲۰۲۰، میلان یکی از شگفتی سازان فوتبال اروپا بوده است. آن‌ها احیا شده‌اند و دوباره می‌خواهند یکی از قدرت‌های اروپا باشند. یکی از بازیکنان کلیدی بارگشت روسونری، زلاتان ابراهیموویچ است. او ستاره بی‌چون‌وچرای تیم است و جانی تازه به خط حمله بی‌رقم استفانو پیولی بخشیده. این بازیکن سوندی با قدرت تمام‌نگذگی عالی و حرکات تماشایی‌اش الهام‌بخش بازیکنان اطرافش می‌شود و امید اصلی میلان در راه قهرمانی است. همه نگاه‌ها در میلان به این بازیکن است که به‌زودی ۴۰ ساله می‌شود و بسیاری به اعتقاد به نفس بالا و جاه‌طلبی او فکر می‌کنند اما بسیاری از بازیکنان هم هستند که از راهنمایی‌ها و از درخشش این بازیکن سوندی بهره‌برده‌اند. از جمله هاگان چالهان اوغلو.

این ملی‌پوش ترکیه‌ای که در سال ۲۰۱۷ از بایرلورکوزن به میلان آمد، به ضریات ایستگاهی و خلافت‌کش در حملات مشهور است. او بی‌تردید فراز و نشیب‌های زیادی داشته‌است.

این هافبک سابق هامبورگ، از زمانی که بیراهن سرخ و سیاه میلان را به تن کرده، زیر نظر مربیان مختلف چاربی‌نثانی شده و در لحظات حساس، آن تیغ تیز لازم برای خط حمله میلان را نداشته‌است. در نتیجه، در سال گذشته، طرفداران پرشور میلان خواهان جدایی او شدند و می‌خواستند که یک شماره ۱۰ جدید بیاید.

اما سال ۲۰۲۰ برای این بازیکن ۲۶ ساله فصل العاده عالی بوده است و او توانسته توازن زندگی حرفه‌ای و زندگی شخصی‌اش را حفظ کند. او یکی از بازیکنان اصلی میلان است و توانسته در سال ۲۰۲۰ ۱۴ گل بزند و ۱۲ گل بپسازد. او در این ۳۷ بازی در تمامی رقابت‌ها انجام داده است. به این ترتیب نظرات درباره او برگشته است. به نظر می‌رسد که او حالا محصول نهایی رابتر می‌سازد و اعتقاد به نفس بالا پیدا کرده است اما قرارداد او در سال ۲۰۲۱ منقضی می‌شود و تصمیمات سختی باید درباره آینده او گرفته شود. چالهان اوغلو به همراه جیان‌لوئیجی دونارما، عضو ستاره میلان در دروازه، ممکن است به این تیمستان آینده میلان را به صورت آزاد ترک کنند و به این ترتیب مساله قرارداد آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای در حال حاضر پیدا کرده است.

به گزارش منابع متعدد در خارج از ایتالیا، این بازیکن دوست دارد در میلان بماند، هر چند در حال حاضر قراردادی که او می‌خواهد امضا آنجی میلان پیشنهاد داده، فاصله‌دار.

مساله قرارداد جدید او را نباید بدیهی فرض کرد، به ویژه که دو باشگاه پونتوس و منچستر یونایتد که متخصص نقل و انتقالات هستند، اوضاع را نیز نظر دارند اما میلان در دورانی که چالهان اوغلو بی‌ثبات بود، او را نگه داشت و باعث پیشرفتش شد. به این ترتیب او او حالا احیا شده، دارد به باشگاهش بی‌بی‌احترامی می‌کند؟

چالهان اوغلو ۲۴ سال دارد و به دوران اوج بازی‌اش نزدیک می‌شود. در چنین شرایطی، بسیاری از بازیکنان اگر جای او بودند چمدانشان را جمع می‌کردند و به دنبال قهرمانی به باشگاه‌های دیگر می‌رفتند. او همچنین حق آن را دارد که دستمزد بالایی بگیرد.

اگر شما جای پائولو مالدینی و فردریک ماسارا باشید، می‌توانید نظرات گوردون استینیچ، اچیت اوبالیوف، دینا دینا و امید رابا شنید که به هر حال با آن‌ها به توافق خواهید رسید اما مساله زمان مطرح است. میلان این ریسک را حس می‌کند که ممکن است بازیکنش در اوج این تیم راترک کند. اتفاقی که کاملاً برخلاف میلان ایوان کرادیس است. به دنبال خرید بازیکنان جوان و فروش آنها با قیمت بالا است.

البته اگر از این تیم بدم هم میلان دچار بحران نمی‌شود. مالدینی ریسک‌های حساب‌شده‌ای در بازار داشته و به نتایج درخشانی رسیده است. به این ترتیب، یافتن جانشین چالهان اوغلو غیرممکن نخواهد بود اما این بازیکن توانسته خودش را در میلان پیدا کند و می‌داند که در چنین محیط پرشاری چطور بدرخشد. خریدهای جدید چنین مرتزی را نخواهند داشت.

۱۱ بازیکنی که ماسیمیلیانو میرابیلی ضربه ایستگاهی او باعث شد میلان مقابل سلتیک به بازی برگردد، نتیجه را برگرداند و چهار بر دو پیروز شود. میلان با این برد از گروهش صعود کرد و چالهان اوغلو هم نشان داد که واقعاً از فوتبالش لذت می‌برد. میلان دستمزد مشخصی برای او در نظر دارد و البته دونارما و السیو رونمانیولی هم در لیست تمدید قرارداد هستند اما در فوتبال، هیچ چیز قطعی نیست. میلان باید آماده هر اتفاقی باشد تا این پروژه را در مسیر خود نگه دارد؛ چه باشماره ۱۰ و چه بدون او.

منبع: فوتبال ایتالیا



بعد از تصادف ترسناک در فرمول یک

گروژان: با خیال آسوده به مردن فکر می‌کردم

وضعیت عجیبی است. چند چیز به ذهنم آمد. از خودم پرسیدم یعنی حادثه ترسناکی که برای او در گرندپری فرمول یک بحرین رخ داد، نقل بسیاری از محافل ورزشی است.

شنبه هفتم پیش در پیست بحرین خودروی او که از وسط نصف شده بود، همچون گلوله‌ای از آتش این مرد فرانسوی را محاصره کرده بود طوری که حتی خودش هم باور کرده بود که از این حادثه جان سالم به در نمی‌برد. بعد از ۲۸ ثانیه زندگی در آن جهنم سوزان، گروژان که پدر سه فرزند است، از خودروی تیم «هاس» خارج شد. اگر او ۱۰ تا ۱۵ ثانیه دیرتر از آنجا خارج شده بود، شاید جراحاشی آنقدر شدید می‌شد که امکان نداشت تنها ۵۰۴ روز بعد دوباره جلوی دوربین هایشنبد. در واقع حتی ممکن بود گرندپری بعدی که در همان پیست و البته با مسیری متفاوت برگزار می‌شود، با یک دقیقه سکوت به احترام راننده فقید آغاز شود.

خوشبختانه چنین اتفاقی رخ نداد و برپای گروژان جز جراحات هایی جزئی روی دست اتفاق ناگوار دیگری رخ نداد. او در باره لحظه‌ای که خودروی شعله‌ور ش با سرعت ۲۲۰ کیلومتر بر ساعت به دیواره پیست برخورد کرد، گفت: «ماشینم متوقف شد، چشمانم را باز کردم، کمرم در ا باز کردم و می‌خواستم از ماشین بیرون برم. بعد احساس کردم که کلاه ایمنی‌ام به جایی برخورد کرد. به همین خاطر دوباره سر جایم نشستم و با خودم گفتم که احتمالاً ماشینم واژگون شده‌است و باید صبر کنم تا بپایند و به من کمک کنند. چپ و راستم را نگاه کردم. دیدم همه جان‌نازنجی است. گفتم این چه

ایمن روزها رو من گروژان راننده فرانسوی ونجات معجزه آسایش از حادثه ترسناکی که برای او در گرندپری فرمول یک بحرین رخ داد، نقل بسیاری از محافل ورزشی است.

شنبه هفتم پیش در پیست بحرین خودروی او که از وسط نصف شده بود، همچون گلوله‌ای از آتش این مرد فرانسوی را محاصره کرده بود طوری که حتی خودش هم باور کرده بود که از این حادثه جان سالم به در نمی‌برد. بعد از ۲۸ ثانیه زندگی در آن جهنم سوزان، گروژان که پدر سه فرزند است، از خودروی تیم «هاس» خارج شد. اگر او ۱۰ تا ۱۵ ثانیه دیرتر از آنجا خارج شده بود، شاید جراحاشی آنقدر شدید می‌شد که امکان نداشت تنها ۵۰۴ روز بعد دوباره جلوی دوربین هایشنبد. در واقع حتی ممکن بود گرندپری بعدی که در همان پیست و البته با مسیری متفاوت برگزار می‌شود، با یک دقیقه سکوت به احترام راننده فقید آغاز شود.

خوشبختانه چنین اتفاقی رخ نداد و برپای گروژان جز جراحات هایی جزئی روی دست اتفاق ناگوار دیگری رخ نداد. او در باره لحظه‌ای که خودروی شعله‌ور ش با سرعت ۲۲۰ کیلومتر بر ساعت به دیواره پیست برخورد کرد، گفت: «ماشینم متوقف شد، چشمانم را باز کردم، کمرم در ا باز کردم و می‌خواستم از ماشین بیرون برم. بعد احساس کردم که کلاه ایمنی‌ام به جایی برخورد کرد. به همین خاطر دوباره سر جایم نشستم و با خودم گفتم که احتمالاً ماشینم واژگون شده‌است و باید صبر کنم تا بپایند و به من کمک کنند. چپ و راستم را نگاه کردم. دیدم همه جان‌نازنجی است. گفتم این چه



منبع: دیلی میل